

نقش گرایشات قومی در بروز بحران‌های شهری: بررسی موردی حوادث خرداد سال ۱۳۸۵ شهرستان ارومیه

دکتر محمدعلی قاسمی ترکی^۱، سرهنگ ستاد جعفر نامور^۲ و

تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۷/۷/۱۲

سرهنگ سیدشمس‌الدین مولوی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی و بررسی نقش گرایشات قومی بر بروز بحران شهری ارومیه در خرداد ۱۳۸۵ و نحوه مدیریت، کنترل و مهار بحران انجام گرفته است. روش تحقیق، تحلیلی - توصیفی و اطلاعات مورد نیاز تحقیق از مدارک و آمار سازمان‌های ذی‌مدخل، اسناد کتابخانه‌ای موجود در پایگانی‌های معتبر، مراجعه به منابع و مآخذها، مصاحبه حضوری با افراد خبره انتظامی، سیاسی و اطلاعاتی استان آذربایجان غربی که در زمان بروز بحران مسئولیت‌های مستقیم داشتند و همچنین با پیمایش میدانی و حضور در مناطق بحران زده جهت استفاده از دانسته‌ها جمع‌آوری و تدوین شده است. جامعه مورد مطالعه در تحقیق حاضر شهرستان ارومیه در استان آذربایجان غربی می‌باشد اصلی‌ترین علل و عوامل گرایش قومی در رفتار خشونت‌آمیز و یا غیرخشونت‌آمیز شهری در خرداد ۱۳۸۵ در قالب تبعیض‌های محرومیت زای سیاسی، فرهنگی اقتصادی و تحقیر قومی دسته‌بندی شد. سپس با تکیه بر نظریات علمی و استناد به مصادیق و شواهد ارائه شده نسبت به تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی ارتباط بین متغیرها و بحران شهرستان ارومیه مبادرت گردید یافته‌های پژوهش عبارتند از: ۱- احساس وجود تبعیض، محرومیت و تحقیر اصلی‌ترین عوامل بروز گرایشات قومی هستند. ۲- احساس محرومیت و تحقیر موجب بروز اعتراضات خشونت‌آمیز یا غیرخشونت‌آمیز قومی می‌شود که می‌تواند تحت تاثیر عوامل تشدید کننده به بحران شهری تبدیل شود. ۳- اولویت استفاده از روش‌های نرم افزاری به جای روش‌های سخت‌افزاری، که بایستی در برخورد با اعتراضات مبتنی بر گرایشات قومی سرلوحه اقدامات مسئولین سیاسی، اطلاعاتی و انتظامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

تبعیض / Discrimination / محرومیت / Deprivation / تحقیر / Belittlement / گرایش / Tendency / مدیریت بحران / Crisis management

■ **استناد:** قاسمی ترکی، محمدعلی و نامور، جعفر و مولوی، سیدشمس‌الدین (پاییز ۱۳۸۷). «نقش گرایشات قومی در بروز بحران‌های

شهری (بررسی موردی حوادث خرداد سال ۱۳۸۵ شهرستان ارومیه)». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره

سوم: ۳۲۳-۳۴۳.

۱. استادیار دانشگاه تبریز

۲. کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی

۳. کارشناسی ارشد مدیریت بحران

مقدمه

موضوع قومیت در کشورهای کثیرالقوم از جمله چالش‌های اجتماعی فراروی دولت‌های آن کشورها محسوب می‌شود. هر چند که بعضی از آنها علیرغم داشتن تنوع قومی^۱ و مهاجرپذیری بسیار بالا طیف وسیعی از اقوام را که دارای زبان، مذهب، نژاد و فرهنگ را در خود جای داده و در تعامل با گروه‌های اقلیت، تجربه‌های ارزشمندی را اندوخته و الگویی از کشورهای موفق هستند که کمترین مشکلات را دارند. ایران نیز به عنوان کشوری کثیرالقوم در دنیا، از جمله ممالکی است که مطالبات اقوام، یکی از نقاط آسیب‌پذیر آن بوده است. بحث اقلیت‌های قومی جدای از اهمیتی که در داخل هر کشور دارد از سوی قدرت‌های خارجی رقیب و سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر همواره مورد توجه بوده است.

ملت ایران واقعیتی است مرکب از همه این تنوع و تکثرهایی که تاریخ مشترک، منافع مشترک، رنج‌ها و شادی‌های مشترک و آرمان‌های مشترک آنها را به هم پیوند داده است. هویت اقوام در ایران از هویت ملی جدا نبوده است و همگان در ساختن و شکل‌گیری هویت ایرانی نقش داشته‌اند. تجربه تاریخی ایران نشان‌دهنده این واقعیت بزرگ و شکوهمند است که تمام مردم این مرز و بوم از هر قوم و گروهی به یک اندازه در حفظ امنیت آن در برابر تهاجمات بیگانه و دفاع از میهن و سربلندی ایران نقش داشته‌اند. وضعیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت ایدئولوژیک در صحنه بین‌المللی به گونه‌ای بوده که رقبای آن برای آسیب‌پذیری هرچه بیشتر آن تلاش کرده‌اند. چالش‌های قومی موجود در کشور را می‌توان از این منظر مورد بررسی قرار داد. هرچند فرافکنی صرف مسائل حقوقی و مرتبط دانستن آن با تحریک قدرت‌های خارجی صحیح نیست، بی‌گمان تحریک قدرت‌های خارجی نقش مؤثری در شکل‌گیری حرکت‌های قومی دارد.

در شرایط کنونی هیچ نظام و حکومتی نمی‌تواند با بذل توجه خود به مرکز، از آنچه در پیرامون می‌گذرد بی‌تفاوت باشد و مشروعیت خود را صرفاً از قوم و گروه خاصی کسب کند. حوادث سال ۱۳۸۵ آذربایجان در کنار سایر اتفاقات به‌قوع پیوسته در سایر نقاط کشور، زنگ خطری بود تا ارگان‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز به مسائل قومی توجه بیشتری نمایند چرا که حکومت در روزگار ما ناگزیر از مشروعیت بخشیدن و احترام به حقوق همه اقوام، مذاهب و بخش‌های مختلف جامعه و پاسخگویی به مطالبات و انتظارات مشروع آنان و نهایتاً استفاده از ظرفیت و توان آنها در جهت رسیدن به هدفهای ملی است و لاجرم باید ضمن افزایش آستانه تحمل خود در برابر افزایش آگاهی و مطالبات اقوام، بیان هر مطالبه و انتظار را به مثابه تهدید تلقی ننماید.

دولت‌ها برای حفظ و افزایش مشروعیت خود و انسجام جامعه و وحدت داخل و نهایتاً حفظ

امنیت ملی نیازمند بازتولید و تقویت مستمر و عادلانه و فارغ از تبعیض هویت ملی هستند و ماهیت متغیر جهانی کنونی ضرورت برخورداری از نظامی منعطف و مبتنی بر مردم سالاری را بیش از پیش نمایان ساخته است. از همین رو است که بایستی حوادث رخ داده به ویژه در آذربایجان آسیب‌شناسی شده و نسبت به تدوین و تنظیم راهبردهایی برای جلوگیری از تکرار وقایع مشابه اقدام گردد.

بیان مسئله: دگرگونی‌های نوین پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال‌های نخستین دهه ۱۹۹۰ و ظهور اندیشه‌های نوین و گسترش فرآیند جهانی شدن، موجب توجه بیشتر پژوهشگران و سیاستمداران به پدیده‌هایی همچون ملیت، هویت و قومیت شد. دگرگونی‌های سیاسی پس از سال ۱۳۷۶ و گشایش فضای باز سیاسی ایران آن دوران نیز به نوعی به زنده شدن بحث‌های مذکور در ایران کمک کرد. تشکیل کشوری در منطقه (آران) به نام جمهوری آذربایجان در مرزهای شمالی و شمال غرب کشور، طرح مباحث قومی را با نقش نخبگان و تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای بیش از پیش نمایان و باعث تشویق قوم‌گرایی و رشد قابل توجه آن به ویژه در آذربایجان ایران گردید.

افزایش سطح آگاهی و شناخت مردم از محرومیت‌ها، کمبودها و خواسته‌ها از گذشته دور تا پس از جنگ تحمیلی و عدم رفع آن موجب طرح مطالبات و خواسته‌ها و گرایشات و تمایلات قومی شد. ناآرامی‌های خرداد سال ۸۵ که به دنبال چاپ کاریکاتور توهین‌آمیز در روزنامه ایران در تاریخ ۸۵/۲/۲۲ با عنوان «چه کار کنیم که سوسک‌ها، سوسکمان نکنند»، به این مطالبات رنگ جدی‌تری بخشید و خواستار پاسخ آن شد و با طرح این خواسته‌ها به همراه سازماندهی بسیج نیروهای حامی و انجام عملیات روانی گسترده بر روی مردم عادی به عنوان آماج مورد نظر، مقدمه اقدام سیاسی یعنی اعتراض را فراهم کرد و با موج سواری فعالان قوم‌گرا بهانه‌ای شد تا این گروه‌ها با هدایت عوامل خارجی اقدام به تهیه و توزیع اطلاعات و بیانیه نموده و با برانگیختن احساسات مردم به ویژه قشر جوان اعتراضات را گسترش و به مراکز علمی تسری دهند و عدم تدبیر و واکنش مناسب و قاطع مسئولین، باعث تشدید آن در سراسر آذربایجان شد.

سؤال تحقیق:

- ۱- آیا گرایشات قومی بر بروز بحران‌های شهری ارومیه در خرداد ۱۳۸۵ تأثیر گذاشتند؟
- ۲- آیا احساس وجود تبعیض، محرومیت و تحقیر اصلی‌ترین عوامل بروز گرایشات قومی هستند؟
- ۳- آیا احساس محرومیت و تحقیر موجب بروز اعتراضات خشونت‌آمیز یا غیرخشونت‌آمیز قومی می‌شود؟

فرضیه‌های تحقیق:

- الف) احساس وجود تبعیض، محرومیت و تحقیر اصلی‌ترین عوامل بروز گرایشات قومی هستند.
ب) احساس محرومیت و تحقیر موجب بروز اعتراضات خشونت‌آمیز یا غیرخشونت‌آمیز قومی

می‌شود.

ج) گرایش‌ات قومی بر بروز بحران‌های شهری ارومیه در خرداد ۱۳۸۵ تأثیر گذاشتند. پیشینه تحقیق: در این بخش، دست‌بندی مطالعات و تحقیقات انجام گرفته در خصوص بحران‌ها و گرایش‌ات قومی به شرح زیر پرداخته می‌شود: پرچی‌زاده (۱۳۸۱)، که بررسی موردی آشوب دانش‌آموزان مرکز آموزش عالی نصر ناجا سال ۱۳۷۹ پرداخته است، پورفیض (۱۳۸۲) که بر روی شیوه‌های برخورد ناجا با ناآرامی‌های کارگری و ارائه یک مدل تصمیم‌گیری مطالعه کرده است؛ و جان بزرگی (۱۳۸۴) که به بررسی علل رفتارهای تخریبی تماشاگران فوتبال و نقش مدیریت انتظامی در پیشگیری و کنترل آن را مورد بررسی قرار داده است.

این گروه از محققین با دست مایه اقدامات ناجا نسبت به بررسی نقش عملیات و کنش‌های نیروی انتظامی در قبال کنترل ناآرامی‌های اجتماعی پرداخته‌اند که در این دسته نیز به‌طور کامل نحوه شکل‌گیری بحران‌های شهری با رویکرد گرایش‌ات قومی با مأموریت کنترلی ناجا مورد مذاقه قرار گرفته که به دلیل فضای این پژوهش نمی‌تواند دربرگیرنده تمامی شاخصه‌های مورد نظر تحقیق قرار گیرد (نامور، ۱۳۸۵).

مبانی نظری پژوهش:

(گر، ۱۹۶۰): در تبیین خشونت، پرخاشگری و شورش‌های اجتماعی با نظریه ای که به محرومیت نسبی^۱ معروف است رهیافت‌هایی ارائه نموده است. از دیدگاه رابرت گر محرومیت نسبی عبارت است از نسبت ارزش‌های درخواستی (مطلوب) به ارزش‌های بالفعل (امکانات) و در تعبیر دیگری محرومیت نسبی به عنوان تصور موجود میان انتظارات ارزشی (مطالبات) و توانایی‌های ارزشی (امکانات) تعریف می‌شود. محرومیت نسبی به معنای شکافی است که میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی متصور قرار دارد. انتظارات ارزشی عبارت است از: درآمد، ثروت، موقعیت، کیفیت زندگی، و حقوق اساسی که افراد فکر می‌کنند باید آنها را داشته باشند. توانایی‌های ارزشی نیز عبارتند از درآمد، ثروت و... که افراد معتقدند در آینده به دست خواهند آورد. محرومیت نسبی از حیث زمانی به محرومیت پایدار و مستمر و محرومیت کوتاه مدت قابل تقسیم است. محرومیت‌های نسبی دارای گستره و شدت‌های متفاوتی هستند. گستره آن عبارت است از میزان شیوع آنها در میان اعضاء یک جامعه با توجه به هر طبقه از ارزش‌ها. شدت محرومیت نسبی عبارت است از تأثیر منفی که با درک آن همراه است و یا با شیوه‌هایی نظیر مصاحبه، فرافکنی و فنون تحلیل محتوا، به شدت احساسات در رابطه با محرومیت نسبی می‌توان پی‌برد (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۰، ص ۹۷ و ۹۹).

1 Relative deprivation

تئوری محرومیت نسبی برای تشریح منشاء بحران‌های قومی و جنگ‌های داخلی در مطالعات اجتماعی کاربرد زیادی دارد. براساس این دیدگاه، شورش و بحران‌های سیاسی هنگامی صورت می‌گیرد که مردم به این نتیجه برسند که کمتر از آنچه حقشان می‌باشد دریافت می‌کنند. از این رو، گروه‌ها و اقوام برای دست یافتن به حقوق و منافع بیشتر یا تسکین دادن سرخوردگی ناشی از محرومیت به پرخاشگری و خشونت سیاسی متوسل می‌شوند. البته شرایط مادی یا محرومیت مطلق به شورش منتهی نمی‌شود بلکه واکنش ذهنی یا روانی در قبال این شرایط است که عامل تعیین کننده محسوب می‌شوند. بر اساس نظریه چرخه محرومیت نسبی به طور کلی شکل‌گیری و تشدید پدیده محرومیت در سطح فرد و جامعه با تأکید بر متغیرهای اقتصادی به دو صورت شامل محرومیت درون‌زا و محرومیت برون‌زا قابل بیان است.

۱- محرومیت درون‌زا: شرایطی است که در آن فرد یا جامعه به دلیل برخوردار نبودن از استعدادها و منابع و شرایط لازم در دسترسی و بهره‌مندی از برخی مواهب و پیشرفت‌ها دچار محدودیت‌های اساسی است و به واسطه این امر در محرومیت قرار دارد. نکته بارز در این خصوص آن است که در شکل‌گیری این نوع محرومیت عامل خارجی دخالتی ندارد. به عنوان مثال، فردی که به واسطه نارسائی‌های فیزیکی و فکری قادر نیست در حد یک فرد معمولی ظاهر شود و یا جامعه‌ای که به علت برخوردار نبودن از شرایط و منابع طبیعی و جغرافیایی خاص از بسیاری از مزیت‌های مطلق یا نسبی در ایجاد و گسترش سطح رفاه و توسعه محروم است و توفیق چندانی به دست نمی‌آورد.

۲- محرومیت برون‌زا: شرایطی است که در آن فرد یا جامعه به دلیل برخی اقدامات، سیاست‌ها و تصمیمات از ناحیه عامل خارجی (فرد، گروه، دولت، جامعه، حوادث و...) از دسترسی و بهره‌مندی از مواهب، منابع و عواید ناشی از توسعه محروم است و به این دلیل در محرومیت قرار دارد. به عبارت دیگر، فرد یا جامعه در این حالت، با توجه به ملاحظات خاص از ناحیه عامل خارجی، در شرایط محرومیت قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، فردی که به واسطه محکومیت‌های ناشی از جرائم اجتماعی، اقتصادی و... از سوی عامل خارجی نسبت به برخی دسترسی‌ها محروم است یا بخشی از جامعه به دلیل برخی گرایش‌ها و ویژگی‌های خاص از ناحیه عامل خارجی نظیر دولت که در سیاست‌ها و تصمیمات به ظهور می‌رسد در دسترسی و بهره‌مندی از منابع و مواهب در محدودیت قرار می‌گیرد.

البته حالت سومی نیز می‌توان تصور کرد که در آن حالت فرد یا جامعه به رغم برخورداری از شاخص‌ها و شرایط محرومیت درون‌زا از ناحیه عامل خارجی تحت تأثیر قرار دارد. نظریه چرخه محرومیت بر این فرض استوار است که شکل‌گیری چرخه محرومیت برای فرد یا نسبی از جامعه بیشتر متأثر از عامل خارجی است. به عبارت دیگر، از آنجا که در هر نظام اجتماعی، دولت به عنوان عامل خارجی و وظیفه کنترل و راهبری نظام اجتماعی (سیاست‌گذاری - تصمیم‌گیری) را بر عهده

دارد، می‌باید بر اساس وظایف معمول با بهره‌گیری از ابزارهای لازم، جنبه‌های محرومیت فردی و اجتماعی را تقلیل دهد و حتی اگر در برخی شرایط، محرومیت درون‌زا در میان اقشار و بخش‌هایی از جامعه شکل گرفته است از راه تخصیص و توزیع منابع و امکانات، این روند را تحت تأثیر مثبت قرار دهد (صالحی، ۱۳۸۵، ص ۸۱ - ۸۳).

در مدل «گر» بسیج منابع با محرومیت نسبی ترکیب می‌شوند و بر اساس حکم کلی آن، تبعیض (یعنی احساس وجود محرومیت در یک گروه نسبت به گروه‌های دیگر) موجب طرح شکایات و نارضایتی‌ها از حکومت (یا احتمالاً گروه‌های دیگر و رقیب) و نارضایتی موجب بسیج و نهایتاً اعتراض و یا شورش می‌شود.

«تد رابرت گر» معتقد است بایستی به شکایات، نارضایتی‌ها و تبعیضات گوناگون هم به عنوان انگیزه و هم به عنوان منشأ بسیج گروه‌های قومی توجه شود. او از سه نوع یا سه دسته از تبعیض سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نام می‌برد و برای مطالعه هر یک از تبعیضها، دو مقیاس (به جز تبعیض فرهنگی) در نظر می‌گیرد و براساس آن میزان تبعیض را می‌سنجد:

- ♦ دامنه: ^۱ منظور، گستره دخالت دولت در اعمال تبعیض است.
- ♦ شدت: ^۲ منظور، میزان تفاوت وضعیت گروه تحت تبعیض با دیگر گروه‌های جامعه است (صالحی، ۱۳۸۵).

«رابرت گر» در تئوری خود سه شکل متمایز از خشونت سیاسی و شورش‌هایی را بیان می‌دارد که عبارتند از: الف - آشوب^۳، ب - توطئه^۴ و ت - جنگ داخلی^۵.

به منظور سنجش حجم و ابعاد مختلف یک پدیده خشونت‌آمیز اعم از آشوب، توطئه و جنگ درون کشوری و یا داخلی، سه بعد اساسی و بنیادین هر منازعه و شورش اجتماعی بایستی مورد توجه قرار گیرد که عبارتند از:

نمود: ^۶ عبارت است از تعداد شرکت کنندگان در یک آشوب و خشونت اجتماعی نسبت به میزان مشخصی از جمعیت آن حوزه و قلمرو. ^۷ عبارت است از مدت زمان استمرار و دوام شورش و آشوب اجتماعی است. ^۸ شدت: عبارت است از تعداد مجروحان و مقتولانی است که در پدیده خشونت اجتماعی مورد

-
- 1 - Extent
 2. Severity
 3. Turmoil
 4. Conspiracy
 5. Internal War
 6. Pervasiveness
 7. Duration
 8. Intensity

محاسبه قرار گیرد.

تد رابرت گر در آخرین کتابش «تقابل قومیت‌ها و دولت‌ها» سه نوع تبعیض را از هم تمیز می‌دهد: اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

الف/ تبعیض اقتصادی: از نظر «گر» زمانی است که اعضای یک گروه قومی به صورت نظام‌وار، در دسترسی به کالاها، شرایط مطلوب اقتصادی که به روی دیگران گشوده است، محدود شوند، «تد» از دو فاکتور گستره^۱ اعمال تبعیض اقتصادی و شدت آن نام می‌برد. از لحاظ گستره^۲ چهار رده تبعیض اقتصادی وجود دارد که عبارتند از:

۱- فقر اساسی و حضور کم^۲ گروه قومی در مناسب مطلوب اقتصادی به دلیل حاشیه نشینی، غفلت یا محدودسازی تاریخی، لیکن سیاست‌های فعلی در پی بهبود نسبی وضع رفاهی گروه است.

۲- فقر مطلق و حضور کم گروه قومی به دلیل حاشیه‌نشینی، غفلت^۳ یا محدودیت‌های تاریخی. هیچ رویه اجتماعی برای انحصار عامدانه وجود ندارد، انحصار و ممانعت رسمی از مشاغل وجود ندارد، سیاست دولت معطوف به بهبود اوضاع گروه نیست.

۳- فقر مطلق و حضور کم گروه به دلیل رویه اجتماعی فعلی گروه غالب، سیاست‌های دولت بی‌طرفانه است، یا اگر مثبت باشد، با پراتیک شایع و رایج و تأثیرگذار تبعیض جبران می‌شود.

۴- سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولتی (به صورت طرد رسمی و انحصار یا سرکوب و یا هر دو به صورت متناوب) مطلقاً مانع دستیابی اعضای گروه به فرصت‌های اقتصادی، در مقایسه با وضعیت گروه‌های دیگر می‌شوند؛ یعنی تبعیض، برنامه رسمی و اعلام شده دولت است.

در مورد شدت تبعیض، باید تبعیض‌ها را در مقایسه با وضع دیگر گروه‌ها سنجید:

الف - گروه اندکی محرومیت دارد، قدری بیشتر از متوسط جامعه؛

ب - گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر، مطلقاً محروم است^۴.

ج - محرومیت اقتصادی گروه بسیار بالاست (فقیرترین گروه اجتماع).

مجموع این دو فاکتور اخیر را می‌توان اندازه تبعیض اقتصادی ارزیابی کرد. روشن است هر چه شدت تبعیض و گستره آن بیشتر باشد، اندازه تبعیضی که بر گروه اعمال می‌شود، بزرگتر خواهد بود.

ب/ تبعیض سیاسی: یک گروه قومی در صورتی تحت تبعیض سیاسی است که اعضای آن در

1. Extent

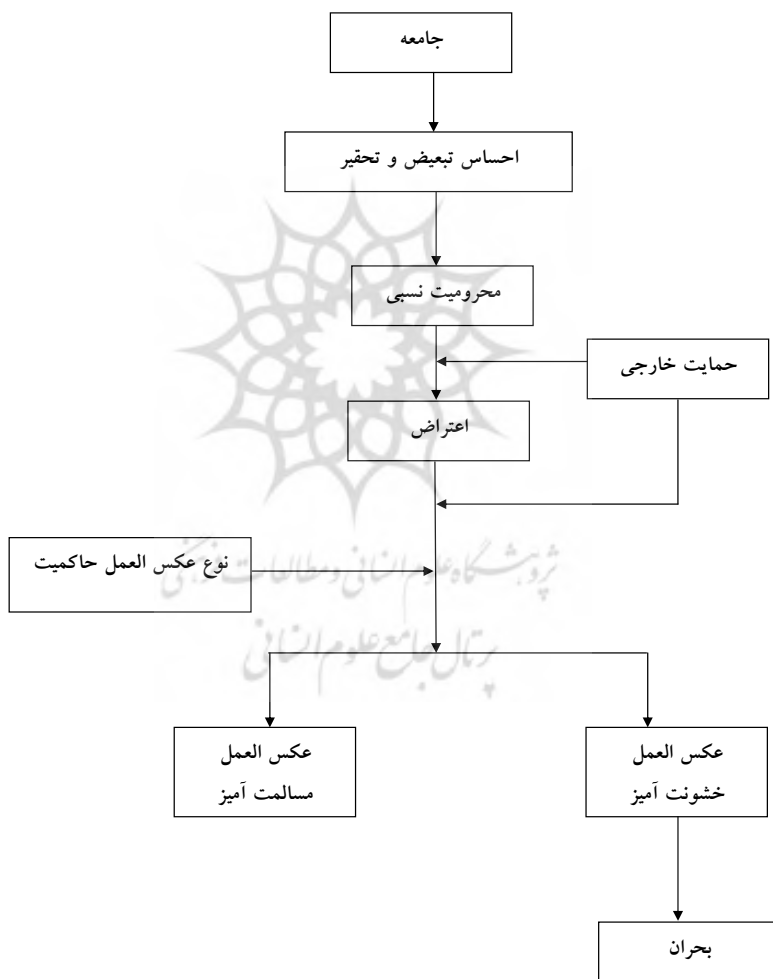
2. Under representation

3. Neglect

4. Under redrepresentation

اعمال حقوق سیاسی خویش یا دسترسی به مناصب سیاسی، در مقایسه با دیگر گروه‌های جامعه، به صورت نظام‌مند دچار محدودیت شده باشند. گستره تبعیض سیاسی مانند تبعیض اقتصادی است و می‌توان آن را برحسب دو گستره و شدت تقسیم‌بندی کرد. شدت تبعیض سیاسی در مورد گروه‌های قومی را بر حسب برخورداری از حقوق سیاسی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

نمودار ۱. الگوی نظری تحقیق



۱- فعالیت برای بیشتر یا همه اعضای گروه قومی، در مقایسه با گروه‌های دیگر شدیداً محدود یا ممنوع شده باشد.

۲- فعالیت برای بیشتر یا همه اعضای گروه نسبتاً محدود شده یا برای برخی به شدت محدود شده باشد.

۳- برای هیچ گروهی محدودیت خاصی وجود ندارد. بخشی از حقوق سیاسی که ایجاد محدودیت برای برخورداری از آنها، شدت تبعیض سیاسی را مشخص می‌کند عبارتند از: ۱- محدودیت آزادی بیان، ۲- محدودیت در تحرک یا تغییر محل اسکان، ۳- محدودیت حق مراجعه به دستگاه قضایی (دادرسی)، ۴- محدودیت سازماندهی سیاسی [به گروه قومی]، ۵- محدودیت در اعمال حق رای، ۶- محدودیت استخدام در نیروی نظامی و انتظامی، ۷- محدودیت استفاده از دستگاه اداری و ۸- محدودیت دستیابی به مناصب عالی.

ج/تبعیض فرهنگی: زمانی یک گروه قومی تحت تبعیض فرهنگی است که اعضای آن در پیگیری علایق فرهنگی یا ابراز و اجرای رسوم و ارزش‌های فرهنگی خویش محدود شده باشد. برای سنجش تبعیض فرهنگی، گستره‌ای در نظر گرفته نمی‌شود اما شدت آن را با توجه به مجموعه‌ای از اعمال و اقدامات می‌توان بررسی کرد، بر این اساس شدت تبعیض را می‌توان در چهار دسته مشخص کرد:

۱- فعالیت فرهنگی گروه از طریق سیاست‌های دولتی تا اندازه‌ای محدود شده باشد.

۲- فعالیت فرهنگی گروه بر اثر پراونیک اجتماعی متداول و غیررسمی محدود شده باشد.

۳- فعالیت فرهنگی گروه محدودیت چندانی ندارد.

چگونگی بروز بحران خرداد ۱۳۸۵ شهرستان ارومیه: پس از چاپ مطالب موهن در ویژه نامه ایران به تاریخ ۸۵/۲/۲۲ ابتدا موضوع در محیط‌های دانشگاهی کشور و سپس در بین اقشار مختلف مردم مطرح و افکار عمومی از این اقدام مطلع و موجی از اعتراض و اغتشاش و ناآرامی سراسر استان‌های آذری نشین را فراگرفت و باعث بروز خسارت فراوانی گردید. در پی این اقدامات تعداد زیادی از آذری‌های استان آذربایجان غربی در شهرهای ارومیه، نقده، میاندوآب، ماکو، خوی، سلماس، قوشجی، شوپا، شاهیندژ، تکاب و دانشگاه‌های استان اقدام به اعتراض نموده و موجب خسارات مالی و جبران‌ناپذیر انسانی گردید. ناآرامی‌ها در شهرستان ارومیه همزمان با سایر شهرها عملاً از تاریخ ۸۵/۲/۲۴ با تبلیغ گسترده آغاز و به یک بحران منطقه‌ای و مقطعی تبدیل گردید. موج اعتراضات به مجامع آموزش عالی یعنی دانشگاه‌ها نیز انتقال یافت. به دنبال پشتیبانی احزاب و تعدادی از نمایندگان و شخصیت‌ها، در این خصوص قشر عموم آذری، و با تحریکات مختلف اولین تحرک و اعتراض خود را از تاریخ ۸۵/۲/۲۵ در دانشگاه‌های ارومیه شروع نمودند.

با توجه به ایام تولد بابک خرم‌دین در تیرماه که زمزمه‌های آن از جمله ایجاد بستر برای تشکیل کنگره عظیم ملی آذربایجان که قبلاً استماع شده بود و همچنین به خاطر حضور و افزایش تردد عناصر ضدانقلاب به خصوص پژاک از تاریخ ۲۲ / ۲ / ۸۵ و تشویق کردها به ایجاد درگیری و ناآرامی و پشتیبانی آذری‌های منطقه و نیز کسب و وجود ۲۸۵ فقره خبر رسیده به اطلاعات انتظامی استان در خصوص تحرکات و فعالیت عناصر گرایشی اعم از پخش اعلامیه، پرچم، عکس، انجام سخنرانی، بیانیه، پخش سی دی، دعوت مردم به انتقال تجمع از قلعه بابک به داخل شهرستان‌ها و برگزاری سالروز تولد بابک خرم‌دین و احتمال دخالت تعدادی از ارادل و اوباش در صحنه تجمع و اعتراضات و...، جریان‌ات شکل سیاسی و ویژه به خود گرفت، که نقطه عطف تمام موضوعات احتمال ایجاد آشوب و بلوا لحاظ و محوریت را در همین سو رونق بخشید.

در پی تجمعات قبلی کل دانشجویان دانشگاه‌های ارومیه اعم از فارس، ترک، کرد تجمعی برای اعتراض با عنوان تربیون آزاد در محوطه دانشکده کشاورزی پردیس نازلو برگزار و شعارهای در محکومیت روزنامه ایران سر داده و خواستار برخورد مسئولین با توهین‌کنندگان به مردم آذری شدند. با توجه به عدم وحدت در شعارها و نفوذ تعدادی افراد دارای گرایشی قومی تجمع بدون نتیجه به پایان رسید. در ادامه تجمعات و اعتراضات، دانشجویان آذری‌زبان دانشگاه‌های ارومیه در راستای حمایت از دیگر دانشجویان ترک‌زبان با تجمع در دانشگاه «سما» ساختمان شماره ۲؛ که تعداد تقریبی آنها به بیش از ۵۰۰ نفر می‌رسید تا با دادن شعار عمل روزنامه ایران در توهین به آذری‌زبان‌ها را محکوم و آن‌را توطئه خارجی دانسته‌اند و از مسئولین امر خواستار رسیدگی جدی شدند.

به دنبال اعتراضات و تجمعات مختلف دانشجویان آموزشگاه‌های عالی و حتی همزمان با آنها، اعتراضاتی به صورت‌های مختلف همچون برگزاری جلسات، پخش اعلامیه به زبان ترکی و فراخوانی، نوشتن شعار بر دیوارها ادامه داشت و اوج آن در زمانی بود که در تاریخ ۲۳/۳/۸۵ شهرستان ارومیه، همزمان سایر شهرستان‌ها به ویژه نقده و میاندوآب که با بیشترین تحرکات متعصبانه اقدام به تجمع اعتراض‌آمیز توام با خشونت داشتند. در شهرستان ارومیه از ساعت ۱۶۳۰ تعدادی از مردم به خصوص جوانان و نوجوانان به تعداد تقریبی ۴۰۰ الی ۶۰۰ نفر در خیابان‌ها خیزش خود را آغاز و به طرف دفتر روزنامه و خیابان امام حرکت نمودند که با اقدام به موقع مأمورین مسیر آنها عوض و آنها به سمت میدان انقلاب حرکت و در طول مسیر هر لحظه به تعداد آنها افزوده می‌شد. پس از طی طریق و ایراد شعارهای حماسی و محکومیت روزنامه در میدان انقلاب و جلو استانداری با سر و صدای بسیار خواستار حضور امام جمعه و استاندار شدند. در ساعت ۱۷۳۰ الی ۱۸۵۰ تعداد جمعیت به بیش از ۱۰۰۰۰ نفر می‌رسید و مردم همچنان خواستار حضور مسئولین بودند که فرماندار وقت جهت سخنرانی در شهرداری حاضر و طی سخنانی ضمن حمایت از اعتراض مردم ارومیه

آنان را به خویشتن‌داری دعوت نموده و از معترضین خواست به مسئولین اجازه دهند که خودشان پیگیری موضوع باشند و عاملین را به‌سزای اعمالشان برسانند. که تعدادی از مردم محل را ترک و مابقی مردم با سر دادن شعارهایی بر علیه روز نامه و صداوسیما تجمع آنها را پوشش نمی‌داد به سه دسته تقسیم شدند دسته اول در میدان انقلاب، دسته دوم آماده حرکت به طرف خیابان کاشانی و دسته سوم به طرف خیابان امام و عطایی عزیمت نمودند که افراد دسته سوم که حدوداً ۳۰۰۰ نفر می‌شدند مقابل روزنامه ایران در خیابان عطایی تجمع و ضمن تخریب و به آتش کشیدن ساختمان مجدداً به میدان انقلاب مراجعت کردند و در ساعت ۱۹۰۰ به دسته دوم ملحق و به صورت کلی در خیابان کاشانی ضمن تعرض به دو دستگاه پراید و بقیه خودروها با شعارهایی بعضاً هم گرایشی به سمت خیابان بهشتی و والفجر حرکت نمودند و در مسیر به خودروها ابلاغ می‌کردند چراغ‌ها را روشن و بوق بزنند در غیر این صورت تخریب خواهند کرد. در خاتمه مسیر خیابان والفجر ۲ ساختمان صداوسیما قدیم (مرکز سروش) را به آتش کشیدند. تعدادی از آنها قصد داشتند جهت تخریب به ساختمان اصلی صداوسیما واقع در سمت پل قویون واقع در ادامه خیابان شهید بهشتی عزیمت نمایند که با حضور به موقع نیروی انتظامی حرکت میسر نگردید. در ساعت ۲۱۴۵ تعدادی از آنها که به ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر تقلیل یافته بود و مجدداً در میدان انقلاب جمع شده بودند و قصد داشتند به ساختمان شهرداری حمله نمایند توسط مأمورین یگان ویژه پراکنده و ۱۰۲ نفر آنها را دستگیر نمودند. در ساعت ۲۲۳۰ اوضاع کاملاً آرام و مجتمعی با وارد آوردن خساراتی به اماکن دولتی از جمله تخریب و به آتش کشیدن ساختمان شرکت سروش وابسته به صداوسیما استان، به آتش کشیدن دفتر روزنامه و تخریب کامل آن، شکستن شیشه‌های دادگستری استان، شکستن شیشه‌های بانک کشاورزی و خوابگاه دانشجویان و تعرض به دو دستگاه پراید و تخریب آنها، محل‌ها را به قصد رفتن به منزل خود ترک کردند.

نقش گروه‌های قوم‌گرا در بحران: موضوع نقش گروه‌های قوم‌گرا از بعد منطقه‌ای، بحث نگرش به مسأله پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم می‌باشد که با توهین روزنامه مورد بهره‌برداری آنها قرار گرفت و در این خصوص دو نقطه نظر وجود دارد: نظر اول در واقع بیان‌کننده ایده ناسیونالیستی بود که به طرق مختلف هم در نشریات و هم در مجامع خصوصی و محافل رد پای آن احساس گردید و نسبت به گذشته نمود بیشتری داشت و با مستمسک قرار دادن وضعیت اقتصادی و سیاسی و عدم توسعه آن، مراکز آموزشی، بیکاری، تحقیر و تخریب آذری زبان‌ها، توزیع ناعادلانه ثروت، عدم راه‌اندازی کارگاه‌های صنعتی، عدم سرمایه‌گذاری اصولی، عدم تکمیل پروژه‌های عمرانی و... نسبت به تحریک توده‌های مردمی اقدام می‌کرد. نظر دوم که عمدتاً به استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص خط و زبان و بحث ادبیاتی و فرهنگی محلی را شامل می‌شد، که با گسترش در محافل عمومی و مراکز آموزش عالی، خواستار اجرای قانون را داشته و با چاپ و

تکثیر اعلامیه‌ها نسبت به تحریک مردمی اقدام می‌کرد.

نقش رسانه‌های خارجی در بحران: به دنبال چاپ مطالب موهن در روزنامه و پخش آن در میان اقشار مردم به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی عوامل خارجی و رسانه‌های وابسته به آنها بلافاصله موضوع را در دستور خود قرار دادند و ضمن برجسته کردن گذشته قومی و خدمات آذری‌ها و عدم توجه دولت ایران، با تحریک مردم و اقشار دانشجویی به وسیلهٔ اطلاعیه و خبر، آنها را به تجمع و اعتراض دعوت می‌کردند. از طرف دیگر هم با پخش مستقیم تجمعات از طریق شبکه ماهواره «گوناز تی وی» مردم را به تظاهرات و ایجاد آشوب و حمله به شبکه‌های دولتی صدا و سیما، روزنامه، بانک‌ها و نهادهای دولتی دعوت می‌نمود و برای پوشش بهتر تجمعات تعداد ۳ نفر از خبرنگاران خارجی وارد شهرستان ارومیه شدند که با هوشیاری مأمورین اطلاعاتی انتظامی به‌موقع شناسایی و از صحنه خارج گردید.

نقش دانشجویان در بحران: به‌طور کلی دانشجویان در بیداری و تحریک مردمی نقش انکارناپذیری را داشتند. در زمانی که بسیاری از مردم از وجود چنین کاریکاتوری بی‌اطلاع بودند دانشجویان با درخواست برگزاری و تجمع در مقابل دانشگاه‌ها اقدام به صدور بیانیه و اطلاعیه نمودند بدین صورت بود که مردم از موضوع با خبر و اقدام به اعتراض نمودند. به منظور تعیین نقش آنها به چند نمونه از اقدامات به زیر اشاره می‌گردد:

۱- به دنبال درج مطلبی در روزنامه ایران به تاریخ ۸۵/۲/۲۲ دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس ضمن اعتراض شدید قصد تحصن داشتند که با اقدام به موقع مسئولین دانشگاه و تنظیم طومار و اعلام آن به ریاست جمهوری اسلامی و دیگر مسئولین کشوری و منطقه‌ای مانع از تحصن دانشجویان شده‌اند.

۲- در ساعت ۱۱۰۰ به تاریخ ۸۵/۲/۲۸ در ادامه اعتراض دانشجویان آذری زبان دانشگاه‌های ارومیه در تاریخ یاد شده دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی در راستای حمایت از دیگر دانشجویان ترک زبان با تجمع در دانشگاه سماء ساختمان شماره ۲ که تعداد تقریبی آنان به بیش از ۵۰۰ نفر می‌رسید با دادن شعارهای ترکی این عمل را محکوم و آنرا توطئه خارجی‌ها دانسته و از مسئولین امر خواستار رسیدگی جدی شدند در ادامه آقای صفوی از اساتید دانشگاه در سخنرانی این عمل زشت روزنامه را ناپسند خواندند. در برگزاری مراسم نوشته‌هایی تحت عنوان شعارهای ناپسند توسط تعدادی از دانشجویان پخش گردید لازم به ذکر است جامعه اسلامی دانشجویان با تنظیم بیانیه‌ای این عمل تعدادی خودفروخته را محکوم کردند. در پایان مراسم قطعنامه‌ای در ۵ بند تنظیم و خواستار برخورد مسئولین امنیتی و قضایی کشور شدند.

۳- در اعتراض به اقدام روزنامه ایران دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور و آزاد نقده در ساعت ۱۴۰۰ به تاریخ ۸۵/۳/۳ با پخش اعلامیه در بین دانشجویان اقدام به اطلاع‌رسانی نموده‌اند.

نقش مسئولین و مقامات محلی در بحران: به دنبال چاپ کاریکاتور توهین‌آمیز در روزنامه ایران، مسئولین و مقامات محلی آذربایجان غربی با حضور در محافل اجتماعی متعرضین و رسانه‌ای با سخنرانی و موضع‌گیری‌های بعضاً جانبدارانه خود، عمل روزنامه را محکوم و از اقدام اعتراض‌آمیز مردم حمایت نمودند که این امر موجب گردید که متعرضین آنرا در نزد خود نوعی مجوز محسوب و به تشدید و گسترش بحران مبادرت ورزند.

تعاریف نظری مفاهیم اصلی:

■ **تبعیض^۱:** به معنی جزء جزء کردن، جدا کردن برخی را از برخی دیگر، برخی را قبول و برخی را رد کردن، بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح دادن (عمید، جلد ۱۳۷۷، ۵۳۶). تبعیض، بهره‌مندی یک فرد یا یک گروه است در مقایسه با بی‌بهرگی و محرومیت گروه یا فرد دیگر (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷).

تبعیض، عبارت است از، الگوی رفتاری آشکاری که برضد یک گروه اقلیت جهت‌گیری شده باشد (محسنی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۲).

■ **تحقیر^۲:** به معنی حقیر شمردن، کوچک کردن، خوار داشتن (عمید، ۱۳۷۷، ص ۵۴۷).

■ **محرومیت^۳:** در فرهنگ عمید عبارتست از ناامیدی، بی‌بهرگی، بازداشتن از خیر، ناکامی، نامرادی (عمید، ص ۱۷۷۱).

■ **گرایش^۴:** عبارتست از قصد، آهنگ، تمایل، میل و رغبت می‌باشد (عمید، ۱۳۷۷، ص ۱۶۷۹).

■ **قوم^۵:** عبارتست از گروه مردم، جماعتی از مردم، خویشاوندان، نزدیکان (عمید، ۱۳۷۷).

■ **بحران^۶:** به معنی آشفتگی و تغییر حالت ناگهانی مریض تب‌دار که منجر به بهبودی یا مرگ او بشود (عمید، ۱۳۷۷، ص ۳۱۹). بوجود آمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در روند حرکت، و به بیان دیگر «بحران» وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظم موجود ایجاد می‌گردد.

■ **عملیات روانی:** از نظر «صلاح نصر» عملیات روانی همان جنگ کلمه و عقیده است خواه مخفی، آشکار، شفاهی و یا کتبی باشد (سبیلان، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

1. Discrimination

2 -Belittement

3. Deprivation

4. Nation

5. Crisis

«ویلیام» معتقد است، عملیات روانی، مجموعه اقداماتی است که کشوری به منظور اثرگذاری و نفوذ بر عقاید و رفتار دولت‌ها و مردم خارجی با ابزارهایی غیر از نظامی، اقتصادی و سیاسی انجام می‌دهد (سیلان، ۱۳۸۳، ص ۲۸). عملیات روانی، مجموعه اقدامات تبلیغی-روانی است که یک کشور یا گروهی برای اثرگذاری و نفوذ بر عقاید و رفتار دولت‌ها و شهروندان در جهت مطلوب خود، به پشتیبانی زمینه‌ها و ابزارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی اجرا می‌کنند.

■ تکنیک: در فرهنگ معین تکنیک (صفت نسبی) به معنی فنی، کار فنی، فن می‌باشد (معین، ۱۳۸۴، ص ۳۷۷).

مواد و روش‌ها

روش تحقیق حاضر، تحلیلی و توصیفی و با توجه به مدل نظری و تحقیقی آن فاقد جامعه آماری می‌باشد. در پژوهش حاضر سعی بر آن بوده است، تا حدالمقدور، منابع و اطلاعات لازم در مورد آذربایجان ایران با هدف شناسایی نقش گرایش‌های قومی در وقایع خرداد ۱۳۸۵ شهرستان ارومیه شامل گزارشات، مقالات، روزنامه، کتاب‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، جزوات، فیلم‌های مستند و گزارش‌های تحلیلی معتبر، مقالات و کتاب‌های مفید و منابع با ارزش منتشره را مورد استفاده قرار دهد و با مراجعه به اسناد و مدارک، اطلاعات مورد نظر گردآوری و پس از مطالعه، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. جامعه مورد مطالعه در تحقیق حاضر، آذربایجان، مورد شهرستان ارومیه می‌باشد که در خرداد ۱۳۸۵ دستخوش بحران گردید و اتراض‌نندگان آن را اقوام آذری تشکیل می‌دادند.

یافته‌ها

فرضیه شماره ۱: احساس وجود تبعیض، محرومیت و تحقیر، اصلی‌ترین عوامل گرایش‌های قومی هستند.

وقتی که زبان «مادری» از سوی یک رسانه دولتی در خرداد ۱۳۸۵ مورد تحقیر زشت، منفی و کلیشه ناپسند قرار گرفت، واکنش سریعی را به دنبال داشت.

با مرور بر مستندات و شواهد موجود اعم از اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و محرومیت برون‌زا ناشی از عملکردهای مسئولین اجرایی و درون‌زا و بررسی‌های به‌عمل آمده از آن به این نتیجه می‌رسیم که در بعد اقتصادی استان آذربایجان غربی از نظر شاخص‌های توسعه در پایان برنامه سوم رتبه ۲۲ کشوری، بخش صنعت رتبه ۲۴، معدن رتبه ۲۱، توسعه راه‌های ارتباطی رتبه ۲۶ را دارد و در بُعد فرهنگی با محدودیت عدم اجرای قانون و تدریس زبان و ادبیات قومی و سهم اندک ۳/۴۴ درصدی زبان در صدا و سیما و تحقیر رسانه‌ای، در بخش بهداشت و درمان رتبه ۲۱، از نظر توانبخشی به ازای جمعیت رتبه ۲۸ در بعد سیاسی نیز علیرغم همگرایی بالا با نظام و حکومت با

عدم استقبال کافی مشارکت سیاسی روبرو است که از نتیجه آنها می‌توان به احساس محرومیت یاد کرد که می‌تواند موجب تقویت هویت قومی و تغییرات شود. این تغییرات ممکن است هم در جهت پذیرش گرایش‌های جدید و هم در جهت تمایل به تولید ایدئولوژی‌های هزاره‌ای باشد. در خرداد ۱۳۸۵ یکی از آن واکنش‌ها به این‌گونه از محرومیت‌ها و تحقیر به ویژه در بعد فرهنگی، گرایش‌ها و تمایل قومی در سطح گسترده در میان اقشار مردم بخصوص در میان قشر جوان بود که به صورت عینی و آشکار با تغییر و تبدیل شعارهای وحدت آفرین (آذربایجان اوپاخدی، انقلابا دایاخدی، به اوز دلینه دایاخدی، به معنی آذربایجان بیدار است به زبانش پشتیبان است) به شعارهای قومی بروز و موجب تأثیر عمیق و ماندگاری شد. بنا بر این فرضیه شماره ۱ یعنی احساس وجود تحقیر، تبعیض و محرومیت به عنوان اصلی‌ترین عوامل گرایش‌های قومی تأیید می‌گردد.

فرضیه شماره (۲): احساس محرومیت و تحقیر موجب بروز اعتراضات خشونت‌آمیز یا غیرخشونت‌آمیز قومی می‌شود که می‌تواند تحت تأثیر عوامل تشدیدکننده به بحران شهری تبدیل شود.

با توجه به موضوع خرداد ۱۳۸۵ و جایگاه نابرابر منطقه آذربایجان غربی با دیگر مناطق کشور تا محرومیت‌های اقتصادی مانند، عدم توسعه‌یافتگی و وجود بیکاری مضاعف و نبود بهداشت و درمان، راه‌های ارتباطی، تحقیر و... و نیز تصور و احساس محرومیتی ناشی از اذهان مردم، ما شاهد ساختار پیچیده اجتماعی در کشور به‌ویژه در این منطقه می‌شویم که شکاف‌های قومی در آن برجستگی خاصی را نشان می‌دهد، متغیر واسطه شکایات و نارضایتی توأم با انباشت انتظارات ارزشی، بسترهای داخلی، ویژگی‌های قومی و سایر علل وارد جریان شده و در شکل‌گیری بسیج قومی بروز می‌کند. که از نقطه نظر شاخص‌های بسیج قومی و مقایسه و تطبیق آن با چگونگی روش‌های خشونت‌آمیز یا غیرخشونت‌آمیز، اعتراضات آذری‌های منطقه در راستای خواسته فرضیه این تحقیق، ابتدا در واکنش به تحقیر و بعد محرومیت به صورت غیرخشونت‌آمیز و با روش‌های مخالفت شفاهی همچون: نامه‌های سرگشاده، طومار، پوستر، نشریات، تحریکات بوسیله اعلامیه و شب‌نامه و مانند آنها، و سپس در بعد خشونت‌آمیز آن (اعتراض) اقدامات پراکنده و مقاومت و تخریب اموال دولتی به صورت سمبلیک، چند مورد تظاهرات و بیان شعارهای قومی، با مشارکت کمتر از ده هزار تن با متغیر واسطه شکایات و نارضایتی از عملکرد دولت در مقابله با محرومیت‌زدایی و توهین روزنامه ایران در تحقیر آذری‌ها و عدم برخورد به موقع دولت و مسئولین انجام و موجب اختلال و حالتی غیرمعمول و غیرمتعارف (بحران) در آن پدید آورد و ضرورت بهره‌گیری از امکانات و حضور نیروهای ویژه انتظامی استان آذربایجان غربی و بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برای اعاده نظم به حالت اولیه و عادی فراهم کرد. که این موضوع به معنی اثبات و تأیید فرضیه

شماره ۲ این تحقیق یعنی: احساس محرومیت و تحقیر موجب بروز اعتراضات خشونت‌آمیز یا غیرخشونت‌آمیز قومی می‌تواند تحت تأثیر عوامل تشدیدکننده به بحران شهری تبدیل شود.

کارکرد مدیریت بحران در حوادث خرداد ۱۳۸۵: در حوادث خرداد ۸۵ شهرستان ارومیه کارکرد مدیریت بحران براساس استفاده از تکنیک‌ها، راهبردها و سیاست‌های زیر بوده است: ۱- تکنیک گفت‌وگو، ۲- تکنیک روانی، ۳- تکنیک افزایش اعتبار، ۴- تکنیک نیش و نوش (هویج و چماق) و ۵- تکنیک مردمی کردن مقابله با بحران.

رفتار معترضین (حریف) در زمینه‌سازی بحران: الف) بزرگ‌نمایی درج کاریکاتور موهن، ب) استفاده از شرایط بد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به نفع خود، پ) طرح مطالبات انجام نشده سنتی نظیر بی‌کاری، فقر، توسعه نیافتگی، عدم اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی، ت) بهره‌برداری از بی‌تدبیری و نداشتن برنامه مشخص برخی از مسئولین کشوری و استان‌های آشوب‌زده، ث) استفاده از اقدامات و موضع‌گیری‌های نسنجیده بعضی از مسئولین به نحو خود چ) استفاده از عدم موضع‌گیری و واکنش سریع کشوری و محلی نسبت به درج مطالب توهین‌آمیز، چ) استفاده از حمایت‌های رسانه‌ای داخلی و خارجی و بین‌المللی.

رفتار معترضین (حریف) در شکل‌گیری بحران: الف) پخش اعلامیه و فراخوان از طرق مختلف برای تظاهرات ب) تبلیغات رسانه‌ای از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای به ویژه سایت‌های اینترنتی و شبکه تلویزیونی گوناگون تی وی، پ) چاپ عناوین شعارها به تعداد وسیع و توزیع آن در سطح شهر، ت) تبلیغات وسیع و گسترده از طریق انجمن‌های اسلامی در جهت تشویق به تظاهرات، ث) عملیات روانی وسیع در میان مردم مبنی بر اینکه هر کس از معترضین حمایت نکند خائن و بی‌غیرت است.

رفتار خودی در پیش‌بینی بحران: الف) عدم پیش‌بینی احتمال بروز بحران و به تبع آن عدم اقدامات و تمهیدات جدی در خصوص پیشگیری از بروز آن و ب) اجماع مسئولین در شورای تأمین مبنی بر پیش‌بینی تجمع بسیار کم معترضین.

بحث و نتیجه‌گیری

حوادث خرداد ۱۳۸۵ را می‌توان برجسته شده تحولی دانست که به تدریج در حال شکل‌گیری بوده است. از یک سو، نوعی تحول نسلی و فکری در سراسر جامعه و آشنایی با پدیده‌های مدرن و از سوی دیگر، آشنایی با ابزارهای جدید اطلاع‌رسانی و بهره‌گیری از امکانات ماهواره‌ای، موجب رشد و تقویت هویت قومی در آذربایجان شده و در عین حال، نارضایتی‌هایی که از نوع برخورد رسانه‌ها با آذربایجانی‌ها وجود داشته، تداوم یافته است. این تحول اجتماعی/ فرهنگی، که با تعاریف مرسوم و معمول از جنبش‌های جدید اجتماعی منطبق است به دنبال حفظ و احیای قومی و فرهنگی بوده

و به ساحت سیاسی، کسب قدرت و فعالیت کلاسیک حزبی، اعتقاد چندانی ندارد. به نظر می‌رسد که این ویژگی‌ها با تحول نسلی در نخبگان قومی بارزتر و پررنگ‌تر خواهند شد، یعنی با کنار رفتن نخبگان مسن‌تر و روی کار آمدن جوانترها، توجه به عنصر فرهنگ و پرهیز از سیاست و تحزب غلیظ‌تر خواهد شد.

به طور کلی با جمع‌بندی، علل شکل‌گیری و گسترش آن با توجه به نقشی که هر عامل در شکل دادن، تقویت، شتاب‌دادن و یا تداوم بحران در بعضی نقاط داشته و یا به عنوان ریشه‌ها و زمینه‌ها در آن دخیل بوده است به عنوان مهمترین یافته‌ها به شرح زیر است:

الف) علل اصلی و شتاب‌دهنده: مطالب موهن روزنامه ایران در ویژه نامه ۱۳۸۵/۲/۲۲ به عنوان علل اصلی و شکل‌دهنده، شروع‌کننده و تحریک‌کننده اعتراضات می‌باشد.

ب) علل نزدیک: محرومیت و عدم توسعه‌یافتگی اقتصادی و رفاه اجتماعی منطقه، بیکاری، عدم توجه مسئولین به وعده‌های داده شده و خواسته‌های مردم، تحقیر قومی و تبعیضات فرهنگی به ویژه به عنوان علل نزدیک که با انباشت آن در یک مدت چندین ساله به یک سؤال غیر قابل هضم در ضمیر ناخودآگاه عموم مردم تبدیل شده و پاسخی برای آن یافت نمی‌شد.

پ) علل تسهیل‌کننده: ۱- عامل رسانه‌ای و نظر مسئولین شهر که چاپ کاریکاتور موهن را تقبیح می‌کردند و نوعی مجوز برای اعتراضات محسوب می‌گردید، ۲- تبلیغات گروه‌های قوم‌گرای پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم با الهام از آموزه‌های رسانه‌ای وابسته و ضدنظام و... علل دیگری به عنوان تسهیل‌کننده در بحران مؤثر بود.

ت) علل تقویت‌کننده:

۱- ترکیب سنی شرکت‌کنندگان در اعتراضات و ایجاد ناآرامی و وجود نیروهای معترض و چابک در خیابان و محلات و دانشگاه‌ها با آثاری عامل تقویت‌کننده دیگری در توسعه بحران بود. این اعتراضات عمده‌تاً توسط جوانان و نوجوانان مذکر (۱۵-۲۴) انجام می‌شد.

۲- احتمال پشتیبانی سایر قومیت‌ها در منطقه به‌ویژه کردزبانان با توجه به سخنرانی و تأکید نیروهای ضدانقلاب و اگر مبنی بر حمایت آذری‌زبان‌ها، در پی اخبار و اطلاعات به دست آمده و همچنین عدم قاطعیت اولیه نیروهای عمل‌کننده به عنوان برقرارکننده نظم موجب تسریع آن شد. ث) علل زمینه‌ای: نتایج تحقیق حاکیست برخی از علل و شرایط این اعتراضات از سال‌ها قبل ریشه‌دار بوده و در آذربایجان به‌ویژه در آذربایجان غربی وجود داشته است، که برابر یافته‌های پژوهش شرکت‌کنندگان به جهت احساس فشار ناشی از این شرایط از شرکت در اعتراضات و ناآرامی به عنوان تاکتیکی در جهت تغییر شرایط استفاده کردند که این علل زمینه‌ای نامیده شده‌اند و در تداوم بحران مؤثر بوده و عبارت است از:

۱- محرومیت اقتصادی، و بی‌کاری مضاعف ناشی از عدم سرمایه‌گذاری‌های اساسی صنعتی؛

۲- عدم اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی در استفاده اقوام از حقوق مساوی و فرصت‌های برابر و همچنین آموزش و تدریس زبان و ادبیات قومی که از آن به ناکامی تحصیلی و بحران هویتی یاد می‌کنند؛

۳- تبعیض‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی؛

۴- تحقیر قومی با استفاده از القاب زشت و ناپسند (جوک‌سازی) در رسانه‌های دیداری و شنیداری و استفاده از لهجه زبان ترکی برای نقش‌های پایین اجتماعی در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی.

راهکارها و پیشنهادات:

۱- یافته‌های این پژوهش به جهت انجام پژوهش‌های عمیق‌تر و موشکافانه‌تر در گرایش‌های قومی و تبیین مطالبات با بروز ناآرامی‌ها در مراکز علمی درون و برون سازمانی مطرح تا هرچه بیشتر نسبت به واگویی مسایل مبتلا به اجتماعی اقدام گردد.

۲- بهره‌مندی رده‌های اجرایی، مأمورین ستادی ذی‌مدخل ناجا از یافته‌های تحقیق به منظور شبیه‌سازی اقدامات و جلوگیری از هدر رفت امکانات انسانی و تجهیزاتی.

۳- توجه بیشتر ارگان‌های سیاسی، اطلاعاتی و انتظامی به مطالبات اقوام به‌خصوص، ترکان آذری زبان جهت جلوگیری از انباشت اعتراضات با توجه به روند پژوهشی این تحقیق از طریق ارائه یافته‌ها.

۴- علیرغم توان نیروهای دولتی در مقابله مقتدرانه با معترضین در بحران‌های شهری با در اولویت قراردادن روش‌های نرم از قبیل، گفت‌وگو، مذاکره، تخلیه هیجانات و... به جای روش‌های سخت‌افزاری باید استفاده کرد.

۵- نظارت و کنترل بیشتر بر عملکرد و اقدامات رسانه‌های جمعی در تحریک حساسیت‌های فرهنگی و به منظور جلوگیری از بروز حوادث مشابه.

۶- توجه به عمران و توسعه هرچه بیشتر استان آذربایجان غربی و محرومیت‌زدایی به منظور رفع مشکلات و تسکین آلام و دردهای مردم که نهایتاً موجب جلوگیری از بهره‌برداری نیروهای قوم‌گرا از محرومیت‌های اقتصادی خواهد شد.

۷- افزایش سرمایه‌گذاری و تبدیل جو غالب منطقه به فضای اقتصادی که موجب خواهد شد افکار عمومی نسبت به هر نوع اغتشاش و ناامنی به خاطر اینکه بر روی تولید اثر منفی می‌گذارد، واکنش منفی نشان دهند. امری که امروزه در مورد تجار و صاحبان صنایع صادق می‌باشد.

۸- اجرای اصل‌های ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و توجه به حفظ زبان مادری و آموزش آن تا پایان تحصیلات ابتدایی در کنار زبان رسمی با توجه به قانون و تأکید سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر.

- ۹- ایجاد محدودیت‌های قانونی برای تحقیر قومیت‌ها که گام بزرگی در جهت محو تحقیرهای قومی و بحران‌ها خواهد بود.
- ۱۰- توجه ودقت مسئولین دولتی به تفاوت و ماهیت بحران‌های قومی با سایر بحران‌های اجتماعی و پیش‌بینی و اتخاذ تدابیر هوشمندانه در قبال آن.
- ۱۱- انتقال تجارب مسئولین قدیم به مدیران جدید.
- ۱۲- الزام به آشنا شدن مدیران ارگان‌های مسئول به آداب و رسوم و فرهنگ منطقه خدمتی که در تصمیمات اتخاذی در قبال اقوام مؤثر خواهد بود.
- ۱۳- افزایش ساعات برنامه‌های آذری رادیو و تلویزیون به‌خصوص در لحظاتی که بیشترین طیف مخاطب وجود دارد.
- ۱۴- پرهیز از هرگونه تبعیض و تحقیر فرهنگی و قومی در برنامه‌های صدا و سیما و توسعه اقتصادی و فرهنگی که موجب انباشت حس تلافی‌جویانه خواهد شد.
- ۱۵- حضور صمیمانه مسئولین مملکتی در بین اقشار محروم و کم‌درآمد مناطق حاشیه شهری و روستایی استان توأم با اقدامات اجرایی جهت افزایش همگرایی.
- ۱۶- تشکیل مجمعی از روشنفکران محلی و کشوری برای برقراری ارتباط منظم و اطلاع از نظرات و شکایات احتمالی (برقراری مبادله فکری).
- ۱۷- بررسی تأسیس کانال تلویزیونی با رویکرد محلی و فرهنگ منطقه‌ای مشابه کشورهای همسایه و همجوار.
- ۱۸- حمایت از تحقیقات و رساله‌های دانشگاهی با موضوع قومیت و امنیت به دلیل پیچیدگی مسائل و روشن شدن وجوه مختلف آن.

کتابنامه

- نامور، جعفر (۱۳۸۵). نقش عملیات انتظامی در کنترل ناآرامی‌های اجتماعی، (مطالعه موردی ناآرامی‌های اکراد ارومیه، سال ۱۳۷۷).
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی.
- عمید، حسن (۱۳۷۷). لغت‌نامه، جلد ۲ و ۱، تهران: امیر کبیر.
- گر، تدرابرت (۱۳۷۷). چرا انسانها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گر، تدرابرت (۱۳۷۹). خشونت و جامعه، ترجمه اصغر افتخاری. تهران: انتشارات سفیر.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۳). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی. تهران: انتشارات تمدن ایران.

سایر منابع برای مطالعه بیشتر:

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). **قومیت و قوم‌گرایی در ایران، «افسانه و واقعیت»**. تهران: نشر نی.
- پرچی‌زاده، همایون (۱۳۸۲). **بررسی موردی آشوب دانش آموزان مرکز آموزش عالی نصر ناجا سال ۷۹؛** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دافوس دانشگاه علوم انتظامی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). **تحولات قومی در ایران «علل و زمینه‌ها»**. تهران: موسسه مطالعات ملی.
- ناصیحی، داود (۱۳۸۲). **نقش اطلاعات در مدیریت بحران‌های شهری توسط پلیس؛** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دافوس دانشگاه علوم انتظامی.
- اداره کل اطلاعات استان آذربایجان (۱۳۷۵). **شناسنامه امنیتی استان**. ارومیه: وزرات اطلاعات.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). **چهره متغیر امنیت داخلی**. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا
- بیات، کاوه (۱۳۸۷). **پان ترکیسم و ایران**. تهران: پردیس دانش.
- پورفیض، مجید (۱۳۸۲). **بررسی شیوه‌های برخورد ناجا با ناآرامی‌های کارگری و ارائه یک مدل تصمیم‌گیری؛** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دافوس دانشگاه علوم انتظامی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). **مدیریت بحران**. تهران: فرهنگ گفتمان.
- جان‌بزرگی، ابراهیم (۱۳۸۴). **بررسی علل رفتارهای تخریبی تماشاگران فوتبال و نقش مدیریت انتظامی در پیشگیری و کنترل آن؛** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دافوس دانشگاه علوم انتظامی.
- حسینی، حسین و جدی، سید مجید (تحت نظارت) (۱۳۸۵). **مدیریت بحران (۲۰۱)**. تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۲). **مقدمه بر روش تحقیق در علوم انسانی**. تهران: سمت.
- دفتر آمار و اطلاعات (۱۳۸۵). **سالنامه آماری استان**، معاونت برنامه‌ریزی استانداری آذربایجان غربی، دفتر آمار و اطلاعات.
- دفتر اطلاعات و آمار (۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷)، **گزیده شاخص‌ها و نماگرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی استان آذربایجان غربی**، ارومیه: معاونت برنامه‌ریزی استانداری آ.غ.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جهانگیر، منصور (گردآورنده) (۱۳۸۷). **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب (۱۳۵۸) با آخرین اصلاحات و تغییرات مصوب (۱۳۶۸)**. تهران: نشر دوران.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۵). **پان ترکیسم و پان آدریسم (مبانی، اهداف و نتایج)**. تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقاتی ابرار (بادستری محدود).
- گزارش پژوهشی (۱۳۸۶). **تحلیل راهبردی مسائل قومی در آذربایجان**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گزارش پژوهشی (۱۳۸۶). **ریشه‌های بحران آذربایجان**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مرشدزاد، علی (۱۳۸۰). **روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی**. تهران: نشر مرکز. نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

نعمتی، محمد (۱۳۸۴). **بررسی میزان مشارکت اقوام در مدیریت سیاسی کشور پس از پیروزی انقلاب**، (پایان نامه کارشناسی ارش)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

منابع خارجی:

Giddens,A.(1990).The Consequences of Mombridge:polity press
Giddens,A(1994).Beyond left and Right. Combridge:Polity Press
Crisis Managent Plan. (2003). Prepared By Rita Tate,Safe to Learn Violence Prevention Coordinator

سایت‌های اینترنتی:

www.SCL.org.ir
www.oyrenci.com
www.tribun.com
www.gunaskam.com
tomarlar.blogspot.com
<http://irnwsis.org>
<http://www.dez-irr.com>

